

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۳ اپریل ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

## دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۶۱

مُلحدنامه

-۲۷-

## داستان سهراب کُرجی

چو نوبت به سهراب کُرجی فتاد  
بز د دست سهراب، چون پیل مست  
برآورد روئینه گُزرز دراز  
عمود دلاور، ز پ—ولاد بود  
چنان زد بر آن کوه سیمین، عمود  
چو برگشت رخشش، ز دشت نبرد  
ز شه—نامه این بیتم آمد به یاد  
چو شیر دمنده<sup>۱</sup>، ز جا در بَجست  
تنش چون تن گاو و سر چون اُگراز<sup>۲</sup>  
به پیشش سپر سُست، چون باد بود  
که آتش برون جِست<sup>۳</sup> و برخاست دود  
سر گرز سهراب گردید، زرد

<sup>۱</sup> - "دمنده": صفت فاعلی از "دمیدن"، که در معنای "غریدن و خروشیدن" است. پس "دمنده" در معنای "غرنده" و "خروشنده" است. درجه بالاتر از آن، "دمان" و "غرآن" است؛ چنان که "شیر دمان" گوئیم و یا "شیر غرآن" - "منم آن ببر دمان و منم آن شیر یله" منسوب به بهرام گور، مثالی در زمینه است.

<sup>۲</sup> - "اُگراز" (بر وزن "گداز")، "خوک وحشی" را گویند

<sup>۳</sup> - "آتش برون جِست"؛ یعنی "آتش ازش پرید"

بدو گفٲ: کاین زینت موی تُست برو نوش کن؛ نوشداروی تُست